

ارزش‌های اجتماعی در جامعه طبرستان

(با نگاهی کوتاه به تاریخ طبرستان)

نویسنده: بهاء الدین محمد به حسن بن اسفندیار
دکتر علی اکبر نیک خلق / عضو هیأت عملی دانشگاه آزاد اسلامی

چیزهایی است که تقریباً مورد پذیرش همگان است. ارزش‌های اجتماعی در جامعه مطلوبیت دارند و بیشتر با ذهن و کمتر با دنیای مادی ارتباط پیدا می‌کنند.

ارزش‌های اجتماعی از جمله مفاهیم اساسی جامعه‌شناسی است که درباره‌ی آن نظریه‌های گوناگونی ارائه شده است.

به عقیده‌ی اگبرن^۱ و نیم کف^۲ ارزش اجتماعی انگیزه‌ی گرایش‌های اجتماعی می‌شود. گرایش‌های اجتماعی تمایلاتی کلی است که در افراد به وجود می‌آیند و ادراکات، عواطف و رفتارهای آن‌ها را در جهت معینی به جریان می‌اندازند^(۱). این گرایش‌ها هر چند در همه‌ی افراد وجود دارد، ولی بر حسب چگونگی شخصیت افراد بعضی از آن‌ها اهمیت بیشتری پیدا می‌کند و به گونه‌ی شخصیت‌های قدرت‌گرا، دانش‌گرا و احترام‌گرا و مانند آن‌ها تجلی می‌کند^(۲). ژان کازنوا^۳ جامعه‌شناس فرانسوی می‌نویسد: عقاید، هنجارها، آگاهی‌ها، فنون و اشیاء مادی که افکار و گرایش‌ها درباره‌ی آن شکل گرفته و به تجربه رسیده‌اند، ارزش‌های اجتماعی یک گروه را تشکیل می‌دهند^(۳).

می‌توان گفت ارزش‌های اجتماعی شامل همه‌ی چیزهایی است که مورد توجه و علاقه‌ی انسان است. هر امر پسندیده یا ناپسند مادی یا معنوی که دارای قدر و قیمت باشد و به گونه‌ای نیازهای انسان را برآورده، هر چیز گرانبها و سودمند چون تجربه، مهارت، ثروت، دانش، قدرت، محبت، احترام، تقوی، شجاعت، سلامت و سن از جمله ارزش‌های اجتماعی است. ارزش‌های اجتماعی چون با فرهنگ جامعه

کتاب تاریخ طبرستان در سال ۶۱۳ هجری به وسیله‌ی بهاء‌الدین محمد به حسن بن اسفندیار کاتب تألیف شده و مشتمل بر دو قسمت است. قسمت اول این کتاب تحت عنوان «از ابتدای طبرستان» از چهار باب به شرح زیر تشکیل می‌شود:

باب اول ابتدا مطلبی است به عنوان: «در ترجمه ابن مقفع» که ذکری است از احوال این دانشمند و به دنبال آن «نامه تنسر» از روی متن عربی ابن مقفع به فارسی ترجمه شده و آمده است. باب دوم مقاله‌ای تحت عنوان «از ابتدای طبرستان و بنای عمارت شهرهای آن» می‌باشد که درباره‌ی پیدایش سرزمین طبرستان و آبادی‌های آن سخن رفته است.

باب سوم مربوط به ویژگی‌های و شگفتی‌های این سرزمین است. و باب چهارم در ذکر احوال بزرگان، عالمان، زاهدان، نویسندگان، طبیبان، اهل نجوم، حکیمان و شاعران سرزمین طبرستان می‌باشد. قسمت دوم از آغاز تشکیل دولت آل وشمگیر و آل بویه و مدت استیلا‌ی آن‌ها به سرزمین طبرستان گفتگو می‌شود.

در این‌جا با نگاهی کوتاه به این کتاب پاره‌ای از ارزش‌های اجتماعی جامعه‌ی طبرستان مورد مطالعه قرار می‌گیرد. این ارزش‌ها در بسیاری از موارد در جامعه‌ی امروز مازندران کم‌وبیش وجود دارد و اهمیت خود را همچنان حفظ کرده است.

ارزش‌های اجتماعی واقعیت‌ها و اموری را تشکیل می‌دهند که مورد خواست و آرزوی اکثریت افراد جامعه هستند. ارزش‌های اجتماعی

وجود دارد، چینی‌ها ضرب‌المثلی دارند که می‌گویند: «لباس هر چه نوتر باشد، ارزنده‌تر است و انسان هر چه پیرتر» و ایتالیایی‌ها می‌گویند: «خانه‌ای که در آن خالی از پیرمرد باشد، خانه‌ی بدی است». ارزش اجتماعی سن و پیری از دیدگاه اسلام نیز مورد تأیید است. از پیغمبر اکرم (ص) نقل است که می‌فرماید: گرامی داشتن مسلمان مو سپید بزرگداشت خداست. عبارت «و قروا کبارکم» به بزرگتر احترام بگذارید نیز روشنگر این واقعیت اجتماعی است.

به نظر می‌رسد که ارزش اجتماعی پیری و سن و سالمندی بازتاب ارزش اجتماعی تجربه‌ای است که انسان در زندگی عملی طولانی خود بدان دست می‌یابد. تجربه محصول زندگی عملی است و با گذشت زمان غنی‌تر و پربا‌تر می‌شود. به همین جهت هر چه سن انسان بالاتر می‌رود، تجربه و در نتیجه ارزش اجتماعی بیشتری کسب می‌کند. احترام کوچک‌تران به بزرگتران که از جمله هنجارهای اجتماعی جامعه‌ی ما می‌باشد، بر همین اساس استوار است. می‌توان گفت که ارزش اجتماعی تجربه بر اثر مجاورت و ملازمت با سن به آن انتقال می‌یابد. در جایی که ارزش‌های اجتماعی متعددی مطرح می‌شود، از تجربه نیز به همراه سالمندی سخن می‌رود «... مردی بود بسیار مال... و کبر سن و تجریت...» پیران و سالخورده‌گان از زندگی طولانی خود تجربه‌های فراوانی می‌اندوزند که به ارزش آن‌ها می‌افزاید و شاید این ارزش تجربه است که به سن انتقال می‌یابد. به نظر می‌رسد عبارت «من موی خود را در آسیاب سفید نکردم» و یا «موی سپید فلکم رایگان نداد» نشان‌گر انتقال ارزش اجتماعی تجربه به سن و سالمندی و پیری است.

مطالعه‌ی تاریخ طبرستان نشان می‌دهد که مالکیت و زمین‌داری نیز از جمله ارزش‌های اجتماعی جامعه‌ی طبرستان است. کسی که مالک زمین است از ارزش اجتماعی برخوردار است، آن که زمین بیشتری را مالک است، پایگاه و ارزش اجتماعی بالاتری دارد و کسی که زمین ندارد از این حیث فاقد ارزش اجتماعی است؛ بنابراین فردی که زمین خود را از دست می‌دهد، بی‌حرمت می‌شود و آبروی اجتماعی خود را از دست می‌دهد. واقعه‌ی افسانه‌آمیز که در بنای شهر آمل روی داده است، روشنگر این پدیده‌ی اجتماعی است و هم اکنون نیز در این سرزمین به گونه‌های مختلفی مطرح می‌باشد.

عجین شده‌اند تا حد زیادی با ثبات هستند و با از بین رفتن گروه از بین نمی‌روند و از طریق میراث فرهنگی از نسلی به نسل بعد انتقال می‌یابند. ارزش اجتماعی امری نسبی است و به زمان و مکان بستگی دارد و از جامعه‌ای به جامعه‌ی دیگر فرق می‌کند.

انسان‌ها به دنبال تأمین ارزش‌های مختلفی هستند و کمتر کسی است که به دنبال ارزش واحدی برود، کسی که به دنبال ثروت است، بدون محبت نمی‌تواند زندگی کند، و آن کسی که متقی و پرهیزکار است، نمی‌تواند از ثروت بگذرد. هر چه جامعه گسترده‌تر باشد، ارزش‌های اجتماعی تنوع بیشتری پیدا می‌کند و افراد می‌توانند به ارزش‌های گوناگونی دست یابند. می‌توان ارزش‌های اجتماعی را از این حیث به دو گونه تقسیم کرد:

ارزش‌های اجتماعی نخستین: این ارزش‌ها براساس نیازهای اساسی و اصلی انسان‌ها در جامعه‌های ابتدایی پدید می‌آیند و تداوم می‌یابند.

ارزش‌های اجتماعی دومین: در جامعه‌های پیشرفته، علاوه بر ارزش‌های نخستین، ارزش‌های دیگری چون ارزش‌های هنری و علمی و... به وجود می‌آیند که ناشی از نیازهای فرعی انسان می‌باشند.

مطالعه‌ی ارزش‌های اجتماعی در جامعه‌ی طبرستان برخی از انواع و ویژگی‌های آن را برای ما روشن می‌کند. یکی از ارزش‌های اجتماعی در این جامعه پیری سن و سالمندی است.

«... چه پیری، وقار، فر و زیب مرد است، کاشکی پیر شدمی تا شکوه و هیبت و بهاء من در دل‌ها زیادت گشتی...» (۴). پیری موجب شکوه و ارزش مرد است، عبارت «کاشکی پیر شدمی» مبین آرزوی رسیدن به سن پیری است، آن‌چه که انسان آرزویش را دارد و مورد خواست اوست، ارزش است. در فرهنگ عوام، اصطلاح‌های «الهی پیر شوی»، «پیر شده» و یا «ریش سفید شود» که به عنوان دعای خیر در برابر انجام عمل نیک یا در زمینه‌های دیگر زندگی بیان می‌شود، قطع نظر از نشانه‌ی طلب عمر دراز برای فرد، تاحد زیادی با ارزش اجتماعی پیری در جامعه مربوط است؛ زیرا پیری را به عنوان پدیده‌ی اجتماعی که موجب ارجمندی و شکوه انسان است، تبیین می‌کند.

با وجود تغییرات عمیقی که امروز در ارزش‌های اجتماعی پدیدار شده است، پیران در جامعه همچنان از ارزش‌های اجتماعی والایی برخوردارند. این ارزش‌ها در جامعه‌های دیگر حتی در مغرب زمین نیز

می‌سوختند و حریر سبز پاره کرده به جای تره بر خوان می‌نهادند...» (۸). پدیده‌ی سوزاندن کاغذ به جای هیزم برای پختن غذا و پاره کردن حریر سبز به جای تره که علی‌رغم فرمان عبدالله بن مأمون و به منظور نوعی رقابت با او صورت می‌گیرد، یادآور مراسمی است تحت عنوان پتلاچ^۷ در میان بومیان کناره‌های شمالی اقیانوس آرام که به گونه‌ای رقابت‌آمیز به منظور کسب ارزش اجتماعی قدرت و بالا بردن حیثیت اجتماعی فرد در جامعه اجرا می‌گردد.

شجاعت و نیرومندی همراه با مهارت و ورزیدگی هم به عنوان یک ارزش اجتماعی تلقی می‌شود. «... که در باس و بسالت او را مقابل رستم دستان نهادند یک شب چهل فرسنگ به دنبال گوزن بدوانید و چون بحد... رسید، سیلاب آمده بود همچون دریا جوی می‌رفت، اسب در آن جوی انداخت و باکران آمد» (۹). ارزش اجتماعی شجاعت و نیرومندی می‌تواند در کسب ارزش قدرت و احترام و سایر ارزش‌های اجتماعی مؤثر افتد.

در جامعه‌ی طبرستان تقوی، پرهیزکاری و علوم دینی به عنوان ارزش اجتماعی تلقی می‌شود و موجب حسن شهرت و پایگاه اجتماعی بالایی برای فرد می‌گردد. «... و مذهب و طریقت او معتقد خلاق و اتفاق علما که مثل او در هیچ طایفه نبود... بر در سرای او به بغداد چهارصد استر برشمردندی از آن ابناء، خلفا و ملوک وزراء» «و از این جمله سی استر هر یک با خادم حیشی بودندی که با اقتباس علوم دینی پیش او شدند...» (۱۰). ارزش تقوی خاصه هنگامی که متقی بر علوم دینی احاطه داشته باشد، مهم‌ترین عامل کسب ارزش اجتماعی محبت و احترام به شمار می‌رود و این ارزش به گونه‌ای است که پس از درگذشت فرد همچنان پایدار است و به چیزهایی که به آن عالم، متقی و پرهیزگار وابستگی و تعلق دارد و به عنوان نشانه و رمز (symbol) به شمار می‌رود انتقال می‌یابد. «مسجد سالار آمل و آن منبر که هنوز بر کرانه‌ی محراب نهاده به جهت او نصب کردند... به جهت او سالار آن مسجد بنیاد افکند» (۱۱). می‌توان گفت منبری که در کنار محراب نهاده است یادگار، نشانه و رمز شخصیت اوست و احترام و ارزش اجتماعی او را تا حد زیادی به خود انتقال می‌دهد. مردم آن منبر را با دست‌های خود لمس می‌کنند و به آن احترام می‌گذارند، گوئی آن عالم متقی را بر بالای آن می‌یابند، در مواردی نیز مجموعه‌ای از چند ارزش اجتماعی وسیله‌ای جهت کسب ارزش اجتماعی قدرت فرد می‌شود. «... مردی بود بسیار مال و چهار پای و تجمل و با کبر سن و تجربت و خرد. فرزندان و بنو اعمال شایسته داشت. همه در اطاعت و متابعت او کمر بر میان بسته...» (۱۲). چنانچه ملاحظه می‌شود ارزش اجتماعی ثروت، سالمندی، تجربه، خرد و داشتن فرزندان صالح و خویشاوندان هر کدام در عین حال که ارزش اجتماعی خود را حفظ می‌کنند، در افزایش و تحکیم ارزش‌های یکدیگر تأثیر متقابل دارند. در مجموع وسیله‌ای

«... و به وقت آن که اساس شهر آمل می‌نهادند، مردی صاحب عیان یک گری (جریب)^۴ زمین ملک داشت که رزان^۵ او بود. بر او تکلیف فروختن کردند، گفت هرگز نفروشم، فرزندان دارم و در این شهر توانگران جمع شوند، فرزندان من بی ملک اسیر (بیچاره) مانند و بی حرمت شوند. میان من و شما عدل شاهنشاه است. پیش فیروز شاه این حکایت نبشتند، جواب فرمود: راست می‌گوید باید اول را چندان مال دهند که از جمله توانگران شود و بعد از آن تصرف کنند به ملک او...» (۵). اکنون نیز ارزش اجتماعی مالکیت در سرزمین مازندران و سرزمین‌های دیگر به ویژه در جامعه‌ی روستایی به نحو بارزی مشهود است. می‌توان گفت که مالکیت زمین با دو انگیزه‌ی مهم بار بسته است؛ یکی انگیزه‌ی اقتصادی است. زمین منبع اصلی درآمد و ثروت است، هر که زمین وسیع‌تری دارد، درآمد بیشتر و رفاه بیشتری خواهد داشت. زمین برای فرد پشتوانه‌ای است بسیار محکم و اطمینان بخش و خاطر او را آرامش می‌بخشد. دیگر انگیزه‌ی اجتماعی است. مالکیت زمین از مهم‌ترین ارزش‌های اجتماعی در جامعه‌ی روستایی است. آبرو و منزلت اجتماعی فرد با زمین تحت تملک او بستگی دارد. مالکیت معرف پایگاه اجتماعی فرد است و فقدان آن موجب بی‌حرمت شدن او می‌گردد. در پاره‌ای موارد در شرح احوال افراد سرشناس مشهور و شخصیت‌های برجسته‌ی طبرستان اهمیت مالکیت و ارزش اجتماعی مال و ثروت نمودار است.

«... و همدان گویند بیشتر اقطاع او بود...» و یا این که «... یگانه‌ی روزگار خویش بود، هر سال دویست هزار دینار محصول ضیاع او بود...» ارزش اجتماعی مال و ثروت در بسیاری موارد هدف نهایی محسوب نمی‌شود، بلکه خود وسیله‌ای جهت به دست آوردن سایر ارزش‌های اجتماعی است. شخصی که صاحب ثروت است، می‌تواند با دادن میهمانی و استفاده از ثروت خود در پذیرائی از دیگران محبوبیت کسب کند و بدین ترتیب ارزش اجتماعی ثروت و مال به ارزش اجتماعی محبت و احترام تبدیل می‌شود. «هر روز وظیفه‌ی مطبخ او به آمل هزار دینار بود و هزار تن را به مال خویش به مکه برد. همه‌ی راه خون نهاد و در میانه‌ی بادیه ماهی تازه و تره از طبرستان برده بر خوان نهاد» (۶). گاه با مصرف ثروت در جهت تأمین هزینه‌های عمومی و ایجاد اماکن عام‌المنفعه، راه‌ها، کاروانسراها و پناهگاه‌های عمومی می‌توان احترام همکاران را نسبت به خود جلب کرد. «... گفتند لارجان^۶ پیش از او به زمستان و تابستان بدین راه که اکنون می‌شوند گذر نبود، حمله بریده و جان پوش‌ها و رباط‌ها او کرد و آن را ایمن گردانید» (۷).

از طریق ثروت نیز می‌توان واحد ارزش اجتماعی قدرت شد. «... به ایام عبدالله المأمون به مکه رفت هر روز به بادیه منادی فرمودند که حی علی غذاالمیر، معروف و مجهول به خوان او نشستندی، مأمون بفرمود تا به بغداد او را تره و هیزم نفروشد، کاغذ می‌خریدند و بعوض هیزم

ارزش‌های اجتماعی در جامعه طبرستان (با نگاهی کوتاه به تاریخ طبرستان) □

- ۳- ژان کازنو، مردم‌شناسی، جلد اول، ترجمه‌ی ثریا شیبانی، مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران، ۱۳۴۶، ص ۱۸۸.
- ۴- ابن اسفندیار، تاریخ طبرستان، ص ۸۴.
- ۵- ابن اسفندیار، تاریخ طبرستان، ص ۲۳.
- ۶- ابن اسفندیار، تاریخ طبرستان، ص ۱۲۲.
- ۷- ابن اسفندیار، تاریخ طبرستان، ص ۱۲۲.
- ۸- همان مأخذ، همان صفحه.
- ۹- همان مأخذ، ص ۹۶.
- ۱۰- همان مأخذ، ص ۱۲۳.
- ۱۱- همان مأخذ، ص ۱۲۵.
- ۱۲- همان مأخذ، ص ۷۷.
- ۱۳- همان مأخذ، ص ۸۶.

پی‌نوشت‌ها:

- 1- Ogburn
- 2- Nimkoff
- 3- Jean cazeuye
- ۴- گری معادل جریب و حدود یک هکتار است.
- ۵- رزان در صورت صحت ضبط متن به معنی باغ و قلمستان است.
- ۶- لاریجان منطقه‌ی کوهستانی در کنار جاده هراز و از بخش‌های شهرستان آمل است.
- 7- Potlatch
- ۸- قوم مداری عبارت از گرایشی است به مقایسه‌ی ارزش‌های اجتماعی و فرهنگ‌های دیگران براساس فرهنگ خود یا برتری دادن فرهنگ خود و گرایش به ممتاز گراندین ویژگی‌های فرهنگ جامعه‌ی خود بر دیگر فرهنگ‌ها می‌باشد.

جهت کسب حیثیت اجتماعی و قدرت فرد می‌گردد و دیگران را به پیروی و اطاعت از آن شخص برمی‌انگیزد.

که ممکن است که ارزش اجتماعی یک پدیده‌ی تاریخی، افسانه‌ای یا اسطوره‌ای برای یک قوم یا یک ملت موجب کسب پرستیژ اجتماعی و افتخار شود.

«... آرش از آنجا {آمل} تیر به «مرو» انداخت و در بسیاری کتب تازی و پارسی نظماً و نثراً این تیر انداختن نبشتند و در تیر انداختن است که عجم را بدان فخر است بر سایر اقلیم...» (۱۳). در این‌جا مفهوم پدیده‌ی قوم‌داری روشن می‌شود و کاملاً محسوس است زیرا نویسنده از واقعه‌ی اسطوره‌ای تیر انداختن آرش فخر می‌کند و قوم خود را بر اقوام دیگر ترجیح می‌دهد و احساس برتری می‌کند. همچنین ممکن است یک اثر هنری که به وسیله‌ی فردی از افراد یک ملت پدید می‌آید، برای آن ملت موقعیت ممتازی در میان دیگر ملت‌ها به وجود آورد و سبب افتخار و مباهات و برتری جویی شود و به گونه‌ای پدیده‌ی قوم‌مداری را در آن سرزمین تبیین کند. «... کتاب مرزبان نامه از زبان وحوش و طیور و انس و جن و شیاطین فراهم آورده... اگر دانا دلی، عاقلی از روی انصاف نه تقلید، معافی و قوامض و حکم و مواعظ آن کتاب بخواند و فهم کند، خاک بر سر دانش بیدپای فیلسوف هند باشد که کلیل و دمنه جمع کرد و بداند که بدین مجموع اعاجم را بر اهل هند و دیگر اقلیم چند درجه فخر و مرتبت است...» گاه بر اثر شرایط و مقاضیات اجتماعی، ارزش اجتماعی به گونه‌ی یک هنجار ارزشمند نمودار می‌شود. رسم میهمان‌نوازی در طبرستان از جمله‌ی این هنجار اجتماعی است که انجام آن وسیله‌ای به منظور کسب ارزش اجتماعی احترام، محبت و اعتبار اجتماعی است و عدم اجرای آن موجب سرزنش و تحقیر فرد می‌گردد. «مادر فرمود که بیرون شو و او (میهمان) را به درون آور، دختر بر آن حمله کرد چون مادر او (میهمان) را بدید ترحیب و بشاشتی نمود و کهتر پسر را پیش شوهر و برادران فرستاد تا بازخوانند، چون برسیدند بر مهر فیروز (میهمان) سلام کردند و انواع تکلف کرامت و ضیافت او را تقدم داشتند و برسم دیلم تا سه روز از او هیچ سؤال نکردند و مهر فیروز از مردمی و دلجویی ایشان عجب داشت». امروز نیز میهمان در مازندران واجد ارزش اجتماعی است و میهمان‌نوازی به عنوان رسم پسندیده و مطلوب و یک هنجار اخلاقی و اجتماعی به شمار می‌رود و مردم این رسم را به جای می‌آورند و از دیگران انتظار دارند آن را رعایت کنند.

منابع و مأخذ

- ۱- آگبرن و نیم کف، زمینه‌ی جامعه‌شناسی، ترجمه شادروان ا.ج، آریان پور، دانشگاه تهران، ۱۳۴۲، ص ۱۴۲.
- ۲- پرویز صانعی، جامعه‌شناسی ارزش‌ها، ۱۳۴۷، ص ۴۷.

